

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



مؤلف : شاد روان استاد
علی اصغر بشیر هروی

از کتاب
هزار و یک
حکایت
ادبی و تاریخی



شاد روان استاد علی اصغر

« بشیر هروی »

تاریخ نشر : 2 سپتامبر 2018 م

حکایت 260

گر گناهام بزرگ و بیشتر است
عفو تو بیگمان بزرگتر است
« بشیر »

عدل و عفو

خلیفه واثق بالله عباسی از حیث عدل و مروت و فضل و دانش مانند « مأمون » بود و ازین سبب وی را « مأمون الصغیر » لقب داده بودند .

یکروز دختری از بازماندگان مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی که فقر و فلاکت گریبان گیر وی شده بود، نزد واثق آمد و سلام کرد.

ای فرمانروای مؤمنان ، پس چه وقت ما از عدل تو بهره مند می شویم؟

خلیفه گفت:

در آن هنگام که یکی از شما بروی زمین باقی نماند ، زیرا شما در مدت حکمفرمایی خویش چنین و چنان کرده اید و بعضی از کارهای امویان را یاد نمود و اضافه کرد که شما جانی برای عدل باقی نگذاشته اید تا به شما هم از آن نصیبی داده شود.

دختر گفت:

اگر عدل شما برای ما باقی نمانده است آیا عفو شما نیز بما نخواهد رسید؟

واثق گفت:

عفو من برای دوستان و دشمنان یکسانست و شما را نیز از آن نصیبی است!

آنگاه امر نمود تا اموال ایشان را که در زمان سفاح مصادره شده بود باز دادند و در باره دختر موصوف تا آنجا که امکان داشت در احسان مبالغه نمود و او را خوشحال باز گردانید.

سلسله این حکایات ادامه دارد

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی